



Psychological Investigation of the Effects of Guilt and Denial of Faith on Educational Functions and Mental Health

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Authors

Pakzad A.¹ MSc,
Rostami M.^{*1} PhD,
Jalali M.² PhD

How to cite this article

Pakzad A, Rostami M, Jalali M. Psychological Investigation of the Effects of Guilt and Denial of Faith on Educational Functions and Mental Health. Journal of Quran and Medicine. 2019;4(2):95-100.

ABSTRACT

Introduction From the religious psychology point of view, the mental health of the individual and society is affected by immoral behaviors such as lying, absenteeism, eating of forbidden property, unlawful looking, free relationships between girls and boys. Education is one of the most basic necessities of life and plays a direct role in all aspects of human life, both individual and social. The purpose of this study was to investigate the psychological effects of guilt and denial of faith on educational functions and mental health. This research was performed using descriptive-analytical method by investigation of religious and psychological texts.

Conclusion 1) Faith is not in practice. 2) Narratives that believe faith is composed of three components are related to the narrative and to the opinion of the client; 3) Al-Kafi's narrations do not require interpretation, but are identical with some verses of the Quran, meaning that sharing and accumulating sins leads to denial.

Keywords Denial; Mental Health; Education; Psychology

¹Quran Sciences & Hadith Department, International Campus, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

²International Campus, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

*Correspondence

Address: Quran Sciences & Hadith Department, International Campus, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Phone: -

Fax: -

mohamadhasanrostami4520@iran.ir

Article History

Received: December 23, 2018

Accepted: February 16, 2019

ePublished: June 20, 2019

CITATION LINKS

[1] Confession; religion and mental health in the opinion of scholars. Q Criticism Opinion [2] The explanation of principles of al-Khamsa [3] Islamic articles (Maqalat al-Islamiyeen) [4] The explanation of the positions of al-Ghazi Azod al-Din (Sharh al-mawaghef al-Ghazi Azod al-Din) [5] Investigating the methods of providing mental health for children at home and school [6] Resurrection in the light of book, tradition and reason [7] Healthy commentary the true Muslim commentary by al-Kubi al-Wajaj and al-Rawad al-Bajaji the true commentary by Muslim ibn al-Hajjah [8] Trusting in God: the way to self-esteem and mental health [9] Principles of mental health [10] Favorites of wisdoms and pearls of words (Qorar al-hekam wa dorar al-kelam) [11] The adequate principles (Usul al-kafi) [12] The relationship between personality and value systems from Allport's perspective (with a special view on religious value [13] Personality theories [14] The way of eloquence (Nahj al-balagha) [15] The mirror of wisdoms (Meraat al-uqul) [16] Divine lights in discussions (Al-lavame' al-elahiyah fi al-mabaheth al-kalamiah) [17] The gifts of God in commentary of Quran (Mavaheb al-rahman fi tafsir al-Quran)

بررسی روان‌شناختی آثار گناه و سلب ایمان بر کارکردهای تربیتی و بهداشت روان

عبدالعلی پاکزاد MSc

گروه علوم قرآنی و حدیث، پردیس بین‌الملل، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

محمدحسن رستمی PhD

گروه علوم قرآنی و حدیث، پردیس بین‌الملل، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

مهدی جلالی PhD

پردیس بین‌الملل، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

مقدمه: از منظر روان‌شناسی دینی، سلامت روانی فرد و جامعه با رفتارهای غیراخلاقی مانند دروغ، غیبت، خوردن مال حرام، نگاه به نامحرم، روابط آزاد دختر و پسر دچار مشکل می‌شود. تربیت، از اساسی‌ترین ضروریات زندگی بوده و در همه شئون زندگی انسان، چه جنبه‌های فردی و چه جنبه‌های اجتماعی نقش مستقیم دارد. هدف پژوهش حاضر، بررسی روان‌شناختی آثار گناه و سلب ایمان بر کارکردهای تربیتی و بهداشت روان بود. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی متون دینی و روان‌شناسی صورت گرفت.

نتیجه‌گیری: (۱) ایمان داخل در عمل نیست. (۲) روایاتی که ایمان را مرکب از سه جز دانسته از باب تعریف به لوازم و در مقابل افکار مرجئه هستند. (۳) روایات الکافی نیازی به تاویل نداشته، بلکه همسان با برخی آیات قرآن بوده، به این معنی که شرک و انباشته‌شدن گناهان موجب سلب ایمان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سلب ایمان، بهداشت روان، تربیت، روان‌شناختی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷

*نویسنده مسئول: mohamadhasanrostami4520@iran.ir

مقدمه

افزایش روزافزون گناه و انحرافات اخلاقی در جوامع و اثرات منفی آن بر اخلاق و بهداشت روانی، نگرانی‌های فزاینده‌ای را در میان علمای اخلاق، تعلیم و تربیت و متخصصان بهداشت روانی به وجود آورده تا جایی که آنها را به سمت یک همگرایی برای مبارزه، کنترل و پیشگیری از انحرافات و بزهکاری‌های اخلاقی واداشته است. این موضوع تا حد زیادی به این برمی‌گردد که غرایز، هوای نفس و وسوسه‌های شیطانی همواره انسان را به طغیان، خیانت، خودخواهی و انواع مفساد دیگر وامی‌دارد^[1]. طبعاً اگر این غرایز و امیال نفسانی مطلق و آزاد گذاشته شوند و انسان هیچ گونه کنترلی بر آنها نداشته باشد، پیامدهای بسیار نامطلوبی در بهداشت روانی فرد و جامعه به همراه خواهد داشت.

در طول تاریخ همیشه یک اعتقاد در میان مردم رایج بوده است و آن این که بیماری را حاصل گناه و زیرپا گذاشتن اصول انسانی و اخلاقی می‌دانسته‌اند، اگر چه اکنون کمتر مردم بر این باور هستند ولی شیوه جدیدی از این دیدگاه در میان اجتماع به وجود آمده است و آن این که برای سلامت خود مدیون خالق خودشان‌اند یا

برای مرگ و بیماری خود دعا می‌کنند و همه این مسایل حاکی از آن است که سلامت خود را به شیوه‌ای در ارتباط با عقیده و ایمان خود می‌دانند.

هدف از بهداشت روانی ایجاد آرامش و سکونت در فرد است. آرامش و شادی ناشی از احساسی است که نسبت به زندگی داریم که این احساسات هم برگرفته از تفکر ماست. آرامش زاینده تفکر و ایده‌ای است که نگاه خاصی به اطراف خود دارد، به‌طوری که تمام اضطراب‌ها و پریشانی‌ها را از فرد دور می‌کند. آیاتی که در خصوص روان انسان در قرآن کریم وجود دارند، نشانه‌هایی هستند که انسان برای شناختن خود و خصلت‌های گوناگونش می‌تواند از آنها راهنمایی بجوید و برای دستیابی به روشی درست به‌منظور تهذیب و تربیت نفس خویش، توسط آیات مزبور ارشاد شود. ما به‌طور کامل می‌توانیم به کمک حقایقی که در قرآن درباره انسان و صفات و حالات روانی او آمده است، به ترسیم چهره‌ای درست از تربیت انسانی راهنمایی شویم و نیز انگیزه‌های اصلی محرک رفتار انسان و عواملی را که در هماهنگ کردن تربیت و تکامل و ایجاد بهداشت روانی او تاثیر بسزایی دارند، بشناسیم تا روان‌شناسی قرآن به‌صورت هماهنگ و منسجم در اختیار ما قرار گیرد^[2].

هدف پژوهش حاضر، بررسی روان‌شناختی آثار گناه و سلب ایمان بر کارکردهای تربیتی و بهداشت روان بود.

ایمان در لغت

ایمان از ماده امن، و برای امن در لغت دو معنی ذکر شده است؛ یکی امانت که مقابل خیانت و معنی آن آرامش دادن است و دیگری تصدیق؛ "وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا؛ یعنی تو ما را تصدیق نمی‌کنی^[3]. برخی لغویون، این که مفهوم ایمان، تصدیق باشد ادعای اتفاق کردند^[4].

هرچند در ریشه ایمان (امن)، دو معنی حقیقی تصدیق و امانت نهفته است؛ اما معنی حقیقی ایمان بنا بر اتفاقی که از اهل لغت ذکر شده است، همان تصدیق است که در زبان فارسی به گرویدن و راست‌گوشمردن تعبیر می‌شود.

گناه

در عالم طبیعت، قانون عمل و عکس‌العمل حکم‌فرما است و اعمال انسان نیز از این قانون مستثنی نیست. کسی که دامن خویش را به گناه می‌آلود باید در دنیا نیز منتظر آثار گناه خویش باشد. برخی از آثار وضعی گناهان به‌قدری مهم و حادثه‌ساز است که اقوام گنهکار پیشین را در کام عذاب و بلا فرو برده است.

بهداشت روانی

تعریف‌های مختلفی برای بهداشت روانی بیان شده است مانند؛ (۱) نگاهداشت سلامت روانی، (۲) ریشه‌کن‌ساختن عوامل بیماری‌زا و پیشگیری از ابتلا به بیماری روانی، (۳) ایجاد زمینه مساعد برای رشد و شکفتن شخصیت و استعدادها تا حداکثر ظرفیت مکنون آنها^[5].

و دانش روان‌شناسی از آرام کردن آن عاجز می‌شود، قدرت نیرومند ایمان به خدای تعالی به حمایت آمده، روح را به ساحل آرامش می‌رساند.

قرآن کریم امنیت روحی که بی‌گمان آرامش روانی را نیز در بر می‌گیرد، حاصل اعتقاد توحیدی و ایمان دینی در انسان دانسته، می‌فرماید: "الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ" [آری]، آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن آنهاست و آنها هدایت‌یافتگانند". بر این اساس، کسانی که شناخت و انگیزه‌های خود را به زندگی دنیوی محدود می‌نمایند و تمام تلاش خویش را بر دستیابی به بهداشت روانی در سایه زندگی دنیوی محض، متمرکز می‌کنند، به اهداف خود دست نخواهند یافت؛ چرا که ماهیت دنیا همواره ناپایدار است. علاوه بر این، در تامین امنیت و بهداشت روانی و سیراب‌نمودن روح کمال‌جویی انسان، ناکافی و ناتمام است و در نهایت انسان را به فرآیندی از شناخت‌های بی‌ارزش و رفتارهای ناپه‌نجا گرفتار می‌سازد که او را اهل دوزخ می‌سازد؛ چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: "انها که ایمان به ملاقات ما [و روز رستاخیز] ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند و آنها که از آیات ما غافل‌اند، [همه] آنها جایگاهشان آتش است، به‌سبب کارهایی که انجام می‌دادند".

دوری از یاد خدا، زندگی را دشوار و یاد خداوند، زندگی را آسان می‌سازد: "هر کس از یاد خداوند روی بگرداند زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت". تبیین روان‌شناختی این مطلب آن است که یاد خدا، فرد را از خواهش‌های دنیایی که برای او فشار روانی و تنیدگی ایجاد می‌کند، باز می‌دارد و سبب می‌شود که به‌جای توجه صرف به لذت‌های دنیوی- که معمولاً ناکامی در بهره‌گیری از آنها موجب فشار روحی و روانی و دلهره است- به تقویت رابطه با خدا و تقرب به او توجه کند. بروز مشکلات برای چنین فردی وی را از هدف اصلی باز نمی‌دارد و چون خود را در مسیر نیل به مقصود احساس می‌کند، زندگی را سخت و دشوار درک نمی‌کند و دریافت درستی از زندگی خواهد داشت.

برخی از کارکردهای نگرش توحیدی در قلمرو بهداشت روان را می‌توان به‌صورت زیر برشمرد^[9]:

آثار گناه بر الگوی تربیتی و سلامت روحی

در نگرش دینی، قلب مهم‌ترین سرمایه انسان است که سعادت و شقاوت وی به آن بستگی دارد. خداوند در قرآن کریم، هدایت را از آن کسانی می‌داند که دارای قلب سلیم و بیدار باشند: "بی‌شک در این [سرگذشت‌ها] تذکری است، برای کسی که او را قلبی [سلیم و بیدار] باشد".

در روایات، مهم‌ترین هدیه الهی، قلب سالم ذکر شده است که خدا به بندگان صالح خویش لطف و عنایت می‌کند؛ امام علی^(ع) می‌فرماید: "هنگامی که خداوند بنده‌ای را دوست بدارد به او قلب سلیم، اخلاق معتدل و شایسته می‌دهد"^[10].

بهداشت روانی، به سلامت یا تعادل یا نرمالیت (بهنجاری) در ذهن، روان و رفتار گفته می‌شود، همین‌طور بهنجاری در احساس، ادراک، تفکر، قضاوت، هیجان، حافظه، گفتار و روابط بین‌فردی. روشن است که ضرورت این بهنجاری نبود بیماری روانی و پیامد و همراه آن رشد، شکوفایی، محبت، سازگاری و تعالی است^[6].

از تعاریف بهداشت روانی چنین به دست می‌آید که بهداشت روانی، فرآیند و مجموعه برنامه‌ریزی‌هایی است که موجب پیشگیری، درمان و حفظ مداوم سلامت حاصله می‌شود تا شخص بتواند وارد یک زندگی رضایت‌مندانه شود. انسان سالم کسی است که از نظر جسمی و روانی، فردی و اجتماعی، در مسیر رشد و بهره‌وری صحیح از استعدادها و توانایی‌های خویش قرار گرفته است و موانع رشد روانی، جسمی، نقص، درد و ناراحتی شدید و افسردگی او را رنج نمی‌دهد. وضعیتی که شخص در آن، حالت مطلوب و طبیعی دارد و در برابر محرک‌ها و فشارهای روانی، واکنش طبیعی از خود نشان می‌دهد.

در نگرش اسلامی، بهداشت و سلامت روانی به معنی تعادل نیازها و نظام‌های درونی و گرایش‌های فطری و جسمانی انسان است و علامت آن این است که آدمی در پرتو رهنمودهای عقل و هدایت آموزه‌های وحی، آنچه را موجب زینت روح و روانش می‌شود و او را به خدای تعالی نزدیک می‌سازد، برمی‌گزیند.

بهداشت روانی در پرتو نگرش دینی

در نگرش دینی، سلامت و بهداشت روانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در متون روایی، احادیث بسیاری به این موضوع اختصاص دارد. برای نمونه، در حدیثی، ضمن برترشمردن بهداشت روانی بر بهداشت جسمی و بدنی، از آن به "تقوی القلب" تعبیر شده است: "أَفْضَلُ مِنْ صَحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ"^[7].

آدمی برای یافتن شخصیت واقعی خود و نیز پاسخگویی به حس ابدیت‌طلبی و کمال‌جویی خویش محتاج دین و آموزه‌های سازنده آن است، دین الهی، تنها منبع آرامش‌بخش حقیقی برای انسان و اتصال‌دهنده او به بی‌نهایت به شمار می‌رود. روح جویای آرامش آدمی فقط در ساحل وصال به حق، آرامش می‌یابد^[7].

براساس یافته‌های پژوهشی، دین واجد مولفه‌های مهمی برای سازش‌یافتگی انسان است و کسانی که ارزش‌های دین را بر دیگر ارزش‌ها ترجیح می‌دهند، از هنجارمندی منطقی‌تر و سلامت روانی افزون‌تری برخوردارند^[8].

در نگرش دینی، نیرومندترین عاملی که می‌تواند هر اضطراب و پریشانی را به آرامش و اطمینان دگرگون سازد، نگرش توحیدی و ایمان به پروردگار است. احساس تنهایی، بی‌پناهی، بی‌کسی و پوچی، که در بیشتر آشفتگی‌های روانی به چشم می‌خورد، در ایمان و باور به وجود یک پشتیبان مقتدر، که منشأ کمال مطلق و مصدر نیکی‌ها و کارهای خیر است، از بین می‌رود و انسان در جهت بهداشت روانی ارتقا می‌یابد. در مواقع خطر خیز و آنجا که نگرانی و اضطراب به اوج می‌رسد و هیجان‌های درونی، طوفان بر پا می‌کنند

از آیات قرآن استفاده می‌شود که قلب آدمی گاهی سالم و گاهی بیمار می‌شود: "در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد، مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید" (آیات ۸۸ و ۸۹ سوره شعرا). "در دل‌های آنان یک نوع بیماری است؛ خداوند بر بیماری آنان افزوده است" (آیه ۱۰ سوره بقره).

طبق آیات قرآن و روایات اهل بیت^(ع)، آنچه موجب آشفته‌گی و بیماری و تباهی قلب می‌شود، گناه است: "چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است".

امام باقر^(ع) می‌فرماید: "چیزی بیش از گناه، قلب را فاسد نمی‌کند"^[11]. اما این که گناه چگونه موجب بیماری و تباهی قلب می‌شود، در حدیثی از امام صادق^(ع) در قالب مثالی چنین بیان شده است: "هنگامی که شخصی مرتکب گناه می‌شود، در قلب او، نقطه سیاهی به وجود می‌آید. حال اگر توبه کند، از بین می‌رود، ولی اگر گناهان او زیاد شود، سیاهی قلب او را فرا می‌گیرد. پس از آن دیگر رستگار نخواهد شد"^[11]. بنابراین قلب که مهم‌ترین سرمایه انسانی است، راز سلامت و سعادتش در گرو دوری از گناهان است.

اثر گناه بر تربیت انسان

شخصیت، سازمانی پویا در درون انسان و متشکل از نظام‌های روانی-جسمانی است که ویژگی‌های رفتار و تفکر فرد را مشخص می‌کند^[12]. آلپورت، ملقب به پدر روان‌شناسی شخصیت، معتقد است یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت سالم، وحدت و یکپارچگی است. نظام ارزشی دینی تنها نظامی است که می‌تواند به‌صورت کامل و مستمر به شخصیت، وحدت و یکپارچگی ببخشد. اگر کسی دارای گرایش و جهت مذهبی خالصانه باشد، محصول جانبی این جهت خالصانه، آن خواهد بود که دین چنین شخصی را حفظ کرده از او مراقبت نماید و سلامت روان را برایش به ارمغان آورد^[12].

افرادی که رفتارهای سنجیده‌تری دارند و از رفتارهای پرخطر دوری می‌کنند و پای‌بندی به اخلاق دینی بالاتری دارند، ویژگی‌های شخصیتی کارآمدتری دارند و در مقابل، افرادی که به رفتارهای پرخطر دست می‌زنند و درگیر مشکلات اخلاقی مانند بی‌بندوباری و روابط جنسی خارج از ضوابط هستند، در ویژگی‌های شخصیتی مانند احساس کارآمدی، اراده و تصمیم‌گیری دچار ضعف هستند. بنابراین تقویت باورها و رفتارهای دینی به سلامت شخصیت و روان کمک می‌کند و تضعیف باورها و رفتارهای دینی شخصیت را دچار آسیب می‌نماید.

باورها و رفتارهایی از قبیل توکل به خداوند، صبر، دعا، زیارت و مانند آن می‌تواند از طریق ایجاد امید به نگرش‌های مثبت موجب آرامش روانی و درونی فرد شود و تا حد زیادی اضطراب و فشار روانی مرتبط با موقعیت را کاهش دهد.

اثر گناه بر بهداشت روان

یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی انسان، بهداشت روان است. گناه موجب حقارت نفس شده، بهداشت روان انسان را از بین می‌برد و

این امر، آسیب‌های روانی مهمی در پی دارد. بهداشت روان عبارت است از حالت شکست‌ناپذیری و توان مقاومت در برابر سختی‌ها و مشکلات و نپذیرفتن ذلت در موقعیت‌های دشوار زندگی که در اثر نوع عملکرد در انسان پدید می‌آید^[8]. امروزه بهداشت روان نیاز موثر بشری دانسته شده است که سهم اساسی در فرآیند زندگی دارد و از پایه‌های رشد نفس به شمار می‌رود^[13].

کاهش بهداشت روان، خود زمینه آسیب‌های روانی، به‌ویژه افسردگی را فراهم می‌آورد. بسیاری از روان‌شناسان معتقدند فقدان بهداشت روان، ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های روانی مانند افسردگی، اضطراب، کاهش عملکرد و مشکلات بین‌فردی است. در نگرش دینی، بهداشت روان از ارزش بالایی برخوردار است، هرچند استعمال این واژه با معنی روان‌شناختی آن تفاوت‌هایی دارد. خداوند در قرآن، عزت واقعی را از آن خدا، رسول و مومنان واقعی می‌داند و در آیه ۸ سوره منافقون می‌فرماید: "لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ". امیرالمومنین علی^(ع) بالاترین فضیلت را عزت نفس معرفی می‌کند: "نفس خود را از هر گونه پستی بازدار، هر چند تو را به اهدافت رساند؛ زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که از دست می‌دهی بهایی به دست آوری"^[14].

راه کسب بهداشت روان تبعیت از فرامین الهی است؛ پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: "خداوند تعالی هر روز می‌فرماید: من پروردگار عزیز شما هستم. پس هر کس خواهان عزت دو جهان است، باید که از خدای عزیز اطاعت کند"^[15]. در مقابل، گناه، آفت بهداشت روان است؛ امام علی^(ع) می‌فرماید: "کسی که نفس شرافتمند و باعزت دارد، هرگز آن را با پلیدی گناه، خوار و پست نخواهد ساخت" و می‌فرماید: "کسی که از کرامت نفس برخوردار باشد، شهوات نفسانی در نظرش خوار و ناچیز می‌شود"^[14].

ادله نقلی عدم سلب ایمان به‌واسطه گناه کبیره

بر صدق ادعای شیعه و جمهور اهل تسنن که قائل به عدم خروج ایمان به‌واسطه گناه هستند، دلایل متعدد نقلی وجود دارد که در سطور آتی ذکر می‌شود. البته لازم به ذکر است که ادله عقلی مساله یادشده فراوان و به‌صورت مبسوط در کتاب‌های کلامی^[16] آمده است. آیات فراوانی از قرآن دلالت بر عدم داخل‌بودن عمل در ایمان دارد، که از این آیات فهمیده می‌شود با وجود گناه کبیره (به‌جز شرك یا در صورت عدم انباشته‌شدن گناهان)، ایمان از آدمی سلب نمی‌شود. برخی از آن آیات به شرح ذیل بررسی می‌شود:

آیاتی در قرآن که عمل صالح را بر ایمان عطف گرفته است؛ مثل آیه ۲۷۷ سوره بقره: "إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ همانا کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند و نماز را بر پا داشتند و زکات را پرداختند، پاداششان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند"، که از آن آیات چنین فهمیده می‌شود: "عمل صالح داخل در ایمان نیست"، به تعبیر دیگر عمل صالح همان ایمان نیست؛ چرا که اگر عمل جزء ایمان باشد

بنده به نعمتی نمی‌رسد، مگر به بهای ازدست‌دادن نعمتی دیگر... [14].

"آن کس را که زیور دنیا به شگفتی اندازد، کوردلی از پی درآید و آن که عشقش را به دل گیرد، خاطرش را از اندوه‌ها پر کند که برای آن اندوه‌ها در سویدای قلبش خلجان است، اندوهی مشغولش دارد و غمی محزونش کند، چنین است تا نفس گلوگیرش شود و او را به بیابان اندازند، در حالی که رگ‌های حیاتش قطع شده، نابودگردنش بر خدا و انداختنش به گورستان برای دوستان آسان است" [14].

فشارها و تهدیدات دنیا در سراسر زندگی انسان و به‌عنوان جنبه‌ای فراگیر از زندگی است که همواره تعادل حیاتی فرد را در معرض خطرات قرار می‌دهد. در احادیث، این واقعیت دنیا نیز چنین بیان شده است: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "هان ای مردم! این [دنیا]، خانه رنج است، نه خانه سرور و خانه‌ای است پیچیده، نه خانه‌ای ساده. از این رو، هر کس آن را بشناسد، با برآورده‌شدن آرزویی، مسرور نمی‌شود و با ناکام‌شدن، محزون نمی‌شود".

امام علی (ع) می‌فرماید: "بدان که دنیا سرای آزمایش است و دنیاپرست ساعتی در آن می‌آساید، جز آن که در روز قیامت از آن افسوس می‌خورد" [14].

نتیجه‌گیری

از منظر روان‌شناسی دینی، سلامت روانی فرد و جامعه با رفتارهای غیراخلاقی مانند دروغ، غیبت، خوردن مال حرام، نگاه به نامحرم، روابط آزاد دختر و پسر و غیره دچار مشکل می‌شود. تقوا می‌تواند در همه این موارد نقش سازنده داشته باشد و به‌عنوان یک نیروی هدایتگر، جهت‌گیری انگیزه‌ها، نیازها و رفتارهای آدمی را به سوی تعالی و تکامل سوق داده و از رفتارهای محل بهداشت روانی باز دارد.

۱) ایمان به معنی تصدیق قلبی و بناگذاری بر انجام دستورات الهی و اجتناب از محارم الهی است.

۲) عمل، داخل در ایمان نیست.

۳) شخص مومن گنهکار، مومن فاسق نامیده می‌شود و با انجام گناه (به‌جز شرک یا انباشته‌شدن گناهان) از ایمان خارج نمی‌شود.

۴) شرک جلی و همچنین انجام گناه روی گناه، موجب سلب ایمان می‌شود.

۵) روایات باب‌الکبائر (گناه و سلب ایمان) الکافی نیازی به تاویل نداشته و تعارضی با روایاتی که می‌گویند گناه سبب زوال ایمان نمی‌شود، ندارد. روایات باب‌الکبائر (گناه و سلب ایمان) ناظر به شرک و گناه انباشته است و مفهوم آنها (روایات باب‌الکبائر) با آیاتی که انباشته‌شدن گناه را موجب تکذیب و استهزای آیات و تکذیب قیامت دانسته همخوانی داشته و این همان زوال ایمان به‌واسطه گناه است که ظاهر روایات باب‌الکبائر بازگو می‌کند و محتوای آنها با توضیحی که در مورد گناه شرک و انباشته‌شدن گناهان گفتیم، صحیح است.

تشکر و قدردانی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

لازم می‌آید تکرار بدون فایده صورت گرفته باشد. در حالی که عطف مقتضی مغایرت میان معطوف و معطوف‌علیه است [16].

دلیل قرآنی بر شرک و زوال ایمان

خداوند متعال در آیه ۴۸ سوره نساء می‌فرماید: "إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا". مراد از شرک در این آیه شریفه، شرک در الوهیت و کفر در الوهیت است؛ یعنی اعتقاد به تعدد خدایان و ایمان نداشتن به هیچ چیز علی‌الاطلاق.

آیه فوق صریحاً اعلام می‌کند که همه گناهان ممکن است مورد عفو و بخشش واقع شوند، ولی شرک به هیچ بخشوده نمی‌شود، مگر این که از آن دست بردارند و توبه کنند و موحد شوند [17] و به عبارت دیگر هیچ گناهی به تنهایی ایمان را از بین نمی‌برد، همان طور که هیچ عمل صالحی با شرک، انسان را نجات نمی‌بخشد. معنی آیه این است که اگر شما ایمان نیاورید مشرک هستید و خدا نمی‌آمرزد که به او شرک بورزند. نبخشیدن گناه شرک از آن جهت است که اساس خلقت استوار به رحمتی است که اساس بندگی و خداوندگاری است و بندگی با شرک نمی‌سازد، اما بخشایش وی برای سایر گناهانی که پایین‌تر از شرک است به وسایلی مانند شفاعت انبیا، اولیا، ملائکه و کار نیک است [17].

دلایل قرآنی سلب ایمان به‌واسطه انباشته‌شدن گناهان

آیات متعددی در قرآن وجود دارد که از آنها استفاده می‌شود که انباشته‌شدن گناه سبب می‌شود ایمان از آدمی سلب شود. برخی از آن آیات که به‌صراحت بر مساله مورد نظر تصریح دارد به شرح زیر است:

آیات ۱۰ تا ۱۴ سوره مطففین بیانگر آن است که گناه مترامم سبب تکذیب روز قیامت است: "وَيْلٌ لِّمُؤْمِرٍ لِّلْمُكْذِبِينَ - الَّذِينَ يَكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ - وَ مَا يَكْذِبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ - إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ - كَلَّا بَلْ زَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ". این پنج آیه مجموعاً مطلبی را بیان می‌فرماید که جزء اصول معارف قرآن است و در آیات بسیار آمده است و آن این است که تکذیب‌ها و تصدیق‌ها همیشه ریشه فکری و اعتقادی ندارد، بلکه اعمال انسان هم روی روح و فکر انسان اثر می‌گذارد. به این معنی که عمل خیر و صالح، انسان را روشن‌تر و بیناتر می‌کند و عمل شر، انسان را کورتر می‌کند. هر کس که عمل او را فاسد کرد فکرش هم در مورد قیامت فاسد می‌شود.

فشار روانی در فرهنگ دینی

در متون دینی زندگی دنیایی سراسر آمیخته با فشارها و سختی‌ها توصیف شده است و عامل اصلی فشارهای روانی، دنیاپرستی و عشق به زندگی مادی معرفی می‌شود. امام علی (ع) در سخنانی می‌فرماید: "انسان در دنیا نشانه‌ای است که مرگ‌ها به جانب او تیر می‌اندازند و غارت‌شده‌ای است که بلاها به سایش می‌شتابند. با هر نوشیدنی‌اش جرعه‌ای جهنده در گلو و با هر لقمه‌اش گلوگیری است.

commentary the true Muslim commentary by al-Kubi al-Wajaj and al-Rawad al-Bajaji the true commentary by Muslim ibn al-Hajjah. Jeddah: Dar al-Majnaj al-Balea al-Awli; 2009. [Arabic]

8- Shojaei MS. Trusting in God: the way to self-esteem and mental health. 1st Edition. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications Center; 2004. [Persian]

9- Hamdiah M, Shahidi S. Principles of mental health. 1st Edition. Tehran: SAMT; 2002. [Persian]

10- Al-Amedi al-Tamimi Abd al-Wahed. Favorites of wisdoms and pearls of words (Qorar al-hekam wa dorar al-kelam). Qom: Dar al-Ketab al-Islami; 1990. [Arabic]

11- Koleini Mohammad ibn Yaqoob. The adequate principles (Usul al-kafi). Volume 8. 4th Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islami; 1987. [Arabic]

12- Mirdrikvandi R. The relationship between personality and value systems from Allport's perspective (with a special view on religious value. J Ma'rifat. 2003;1(64):1-8. [Persian]

13- Schultz DP, Schultz SA. Personality theories. Seyedmohammadi Y, translator. 16th Edition. Tehran: Virayesh; 2010. [Persian]

14- Seyyed Razi Mohammad ibn Hossein. The way of eloquence (Nahj al-balagha). Qom; Dar al-Hijrah; 2001. [Arabic]

15- Majlesi MB. The mirror of wisdoms (Meraat al-uqul). Tehran: Dar al-Kotob al-Islami; 1983. [Arabic]

16- Soyouri Helli Meqdad ibn Abdullah. Divine lights in discussions (Al-lavame' al-elahiyah fi al-mabaheth al-kalamiah). 3rd Edition. Qom: Boostan-e Ketab; 2008. [Arabic]

17- Mousavi Sabzevari SA. The gifts of God in commentary of Quran (Mavaheb al-rahman fi tafsir al-Quran). Qom: Ayatollah Sabzevari's Office; 1998.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

تعارض منافع: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

سهم نویسندگان: عبدالعلی پاکزاد (نویسنده اول)، نگارنده مقاله/پژوهشگر اصلی (۵۰٪); محمدحسن رستمی (نویسنده دوم)، روش‌شناس (۲۵٪); مهدی جلالی (نویسنده سوم)، روش‌شناس (۲۵٪)

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

منابع

- 1- Afrooz GA, Bolhari J, Ghorbani N, Golzari M, Malekian M, Vaezi A. Confession; religion and mental health in the opinion of scholars. Q Criticism Opinion. 2004;9(33 and 34):5-63. [Persian]
- 2- Ghazi Abd al-Jabbar ibn Ahmad. The explanation of principles of al-Khamsa. Cairo: Maktaba Wahaba; 1996. [Arabic]
- 3- Ash'ari Abu al-Hasan Ali ibn Isma'il. Islamic articles (Maqalat al-Islamiyeen). Beirut: Dar al-Nashr; 1980. [Arabic]
- 4- Jorjani Seyyed Sharif. The explanation of the positions of al-Ghazi Azod al-Din (Sharh al-mawaghef al-Ghazi Azod al-Din). Beirut: Dar Al-Kotob al-Ilmiyah; 1998. [Arabic]
- 5- Shabani Vorki B. Investigating the methods of providing mental health for children at home and school. J Peyvand. 1992;(159):244-50. [Persian]
- 6- Sobhani J. Resurrection in the light of book, tradition and reason. Shirvani A, translator. 1st Edition. Tehran: Al-Zahra Publications; 1991. [Persian]
- 7- Al-Roumi al-Alawi Mohammed al-Amin. Healthy